

فلسفه ابن رشد

اثر ابن رشد فی فلسفه العصور الوسطی

زین محمود الخضیری

قاہرہ، دارالثقافة للنشر و التوزیع، ۱۹۹۸

نگاہ

کتاب فلسفه ابن رشد در قرون وسطی، از پژوهش‌های تطبیقی مهم در فلسفه اسلامی است. مولف در نمایی کلی از کتاب در واقع به جستجوی جنبه‌های اروپایی یا به روایتی دیگر به تأثیرات غربی فلسفه ابن رشد پرداخته است. این کتاب از چهار «باب» و چندین «فصل» تشکیل شده که نخستین باب آن درباره «ابن رشد لاتینی» است و نیز در همین باب زندگی و آثار ابن رشد گزارش شده است. باب دوم به بحث و بررسی مفهوم «عالم» نزد ابن رشد اختصاص یافته و در ادامه آن باب سوم درباره «نفس» در فلسفه ابن رشد است و در پایان، باب چهارم در واقع ادامه نظریه نفس ابن رشدی است که قلمرو گسترده‌تری از باب پیشین دارد.

محمود الخضیری در این کتاب کوشیده تا قلمرو فلسفه اسلامی را در غرب نشان دهد. فرض او بر این موضوع استوار است که علت اصلی توسعه اندیشه‌های ابن رشد در میان متفکران غربی - از زمان حیات ابن رشد تا کنون - در واقع مبتنی بر این فرض است که نهاد فلسفه اسلامی در غرب، کاملاً ارسطویی است و به حسب زمینه‌های ارسطویی در آنجا هر فلسفه‌ای که به نحوی مرتبط با اندیشه‌های ارسطو باشد، از رشد و توسعه قابل توجهی برخوردار خواهد شد.

همچنین مولف محترم کوشیده تا دامنه این تأثیر را در کلام نیز بررسی کند. توجه به آراء متکلمین یهودی، مثل ابن میمون از این نمونه است. با این همه کتاب مزبور از منابع مهم بررسی فلسفه ابن رشد تلقی می‌شود و در واقع می‌توان آن را از نخستین پژوهش‌های فلسفی در باب تاریخ فلسفه به معنای اعم آن و نیز از نخستین رویارویی‌های دو اندیشه شرقی و غربی در فلسفه اسلامی دانست. چنین تحقیقاتی بیش از همه، به قسم اخیر مربوط می‌شود. یعنی ماهیت اندیشه در فلسفه اسلامی را به دو منبع جغرافیایی و یا حتی معنوی تقسیم می‌کند که عبارتند از:

۱. ماهیت اندیشه فلسفه اسلامی در غرب جهان اسلام

۲. ماهیت اندیشه فلسفه اسلامی در شرق جهان اسلام که با تامل در این دو باب می‌توان فلسفه اسلامی را با دو گونه تفکر مواجه دانست. نوع غربی آن ارتباط مستقیم با نظریه جدایی میان دین و دنیا (= سکولاریزم) دارد و نوع شرقی آن، ماهیت اشرافی خود را در اندیشه فلسفی ناب نمایان کرده است.

از داستان سمک عیار به عنوان یک رمانس ذکر شده است. در این بخش این سوال مطرح است که آیا داستان سمک عیار یک رمانس است یا یک رمان؟ آیا اگر مؤلفان به جای این داستان نمونه‌ای از داستان امیرارسلان رومی را به عنوان رمانس انتخاب می‌کردند شایسته تر و وافی تر به مقصود نبود؟

۶) در بخش اسطوره نیز برای نمونه داستانی از بندهشن تحت عنوان نخستین مردمان و داستان آفرینش آدم از مرصاد العباد آورده شده است. باز این سوال در ذهن خواننده مطرح می‌شود که آیا داستان آفرینش آدم در مرصاد العباد واقعاً یک اسطوره است؟ و هیچ مبنای حقیقی ندارد؟

۷) خالی بودن این کتاب از مباحث نگارشی. هرچند که مؤلفان در پیشگفتار حساب ادبیات را از زبان جدا ساخته و مباحث دستوری و نگارشی را در حوزه زبان دانسته‌اند؛ اما از آنجا که از دانشجو انتظار می‌رود هم خوب بخواند و هم خوب بنویسد؛ باید مطالبی در فن نویسندگی و آیین نگارش هم در این کتاب به شکلی مختصر گنجانده می‌شد.

۸) غلط‌های چاپی متن. با آنکه مؤلفان سعی و تلاش فراوانی در این زمینه داشته تا متنی بدون غلط عرضه کنند اما پاره‌ای غلط‌های چاپی از نظر آنها به دور مانده است.

برای نمونه در ص ۱۲۲ کلمه برادر / برادر در ص ۱۶۰ گلسستان / گلسستان / در ص ۱۵۸ اطلاع‌رسانی / اطلاع‌رسانی در ص ۳۰ مگر / مگو در ص ۱۶۹ آمیسیٹ / آمیسیٹ و... چاپ شده است.

با همه این تفصیلات این نکته را باید در نظر داشت؛ همانطور که در مقدمه این مقاله متذکر شدم این کتاب در بین کتابهای انگشت شماری که تا کنون منتشر شده است جایگاه خاصی دارد.

امید است که مؤلفان محترم در چاپ‌های بعدی نواقص آن را برطرف نموده و به صورت مطلوب‌تری به دانشجویان و جامعه ادبی عرضه نمایند.

دوبیتی نمود بیشتری دارد. بخشی که به شعر آزاد اختصاص یافته، در بردارنده اشعاری از نیما، اخوان، شاملو، سپهری، مشیری، فروغ فرخزاد، شفیعی، موسوی گرمارودی و قیصر امین‌پور است. اگر به جای انتخاب سه اثر از برخی از شاعران دو اثر انتخاب می‌شد و نمونه‌هایی از شعر شعری که نامشان ذکر نشده آورده می‌شد؛ این تنوع دانشجو را با شاعرانی دیگر آشنا می‌ساخت. در بخش رباعیات هم از ۲۱ رباعی انتخابی یک رباعی سهم رودکی ۶ رباعی سهم خیام، ۳ رباعی سهم عطار گردیده است. ۴ رباعی به مولوی و ۴ رباعی به قیصر امین‌پور یک رباعی به حسن حسینی و یک رباعی به سلمان هراتی اختصاص یافته است. اگر چه نمونه‌های انتخابی گزینشی خاص دارد اما این سوال مطرح می‌شود که آیا بعد از مولوی تا قرن معاصر رباعی در خور ذکر بیان نشده است که بعد از رباعیات مولوی رباعیات قیصر امین‌پور ذکر شده است؟

۳) مورد توجه بودن بعضی شعرا از دید مؤلفان. به نظر می‌رسد مؤلفان در بخش شعر به شاعرانی چون حسن حسینی، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی نظر خاصی داشته‌اند چرا که در بخش غزل، رباعی و دوبیتی اشعاری از آنها را ذکر کرده‌اند.

در بخش غزل از ۴ قطعه غزل انتخابی ۲ غزل به قیصر امین‌پور اختصاص یافته در بخش مثنوی از ۱۷ مثنوی یک قطعه، در بخش رباعی از ۲۱ رباعی ۴ رباعی، از ۱۳ دوبیتی ۴ دوبیتی و در شعر آزاد (مثنوی) از ۴ قطعه یک قطعه به قیصر امین‌پور اختصاص یافته است و این سهم اندکی نیست؟

۴) در معرفی منابع از برخی منابع خوب و مشهور غفلت ورزیده‌اند برای نمونه از نوشته‌های دکتر تقی پورنامداریان درباره نیما و شاملو (خانه‌ام ابری است) و (سفری در مه) و مقالات ایشان که در زمره بهترین آثار در شناخت نیما و شاملو است مطلبی نوشته نشده است.

۵) در فصل ادبیات داستانی، بخش رمانس قسمتی

